# جایگاه سید شرف الدین در تقریب مذاهب اسلامی

هجوم فرهنگ غرب به جهان اسلام در سده های اخیر, فروپاشی امپراتوری اسلامی, شکل گیری دولت اسرائیل, پیدایش انقلاب مشروطیت, ظهور مارکسیسم و نفوذ استعمار, ذهن و فکر مسلمانان را بیش از پیش بحران زده کرد. در فضای این بحران, وهم, گمان و پندار, حرف اول را می زد و به همین دلیل گفت وگوی مسلمانان از لبّ دین, که می توانست مولّد و فرهنگ ساز باشد, بیش تر به قشر آن کشیده شد و آثار مذهبهای اسلامی در این دوره, همانند برهه های پیشین تاریخ, آکنده از طعن و لعن گردید. اهل سنت شیعه را از غلات می انگاشت و شیعه اهل سنت را ناصبی می خواند, تا جایی که این جنگ و جدال, هدف را از یاد برد و به جای آن, هواداری از مذاهب, نادیده گرفتن سودها و نیازهای اساسی جامعه اسلامی و تقلید و مبارزه با اجتهاد و برخورد ناشایست و واژگونه, با علم کلام رایج گردید. دانش کلام, در این برهه بسیار حساس, به جای دفاع خردمندانه از اندیشه و فرهنگ اسلامی, به ابزاری برای رویارویی و اختلاف نظر و کشمکش میان مسلمانان و عاملی برای شکل گیری گفت وگوها و برخوردهای فتنه انگیزانه بدل شد و فقه رهاشده از جهت دهی کلام در قالب یک دانشی قدسی ظهور یافت و احتیاط و تعبّد به جای اجتهاد, رونق بیش تری گرفت و نظر و عمل از هم دور شد. در چنین هنگامی, تجددگرایی و اصلاح در اندیشه های دینی اهمیت خود را نشان می داد و برای بازگشت روح دین به کالبد آن, حفظ وحدت گام اول می نمود. راهی که بزرگانی چون شیخ مفید, سید مرتضی, شیخ طوسی, علامه حلی, شهید اول و شهید دوم, با الهام از آموزه های پیشوایان شیعه, با گامهایی استوار در راستای آن حرکت کرده بودند و در سده گذشته سید جمال الدین اسدآبادی بار دیگر با هدف بازگشت وحدت و بیداری جهان اسلام, این تلاشها را از سر گرفت و به دنبال او شیخ محمد عبده, راه او را در میان اهل سنت ادامه داد. آنان کوشیدند دشمنی بین شیعه و سنی را کم کنند و عصبیت جاهلی را از ساحَت شیعه دور کنند و از مسلمانان خواستند تا یک جبهه در برابر استعمار غرب, بویژه بریتانیا به وجود آورند.

بعد از محمد عبده, شاگرد وی, محمد رشیدرضا, همانند استادش و سید جمال الدین, مسلمانان را به اصلاح بر اساس قرآن و سنت فراخواند و به دنبال او حسن البنا و دیگران راه تقریب را در جهان اهل سنت در پیش گرفتند. این اندیشه, چنانکه خواهیم دید, از مصر آغاز شد و به سوریه, تونس, ایران, لبنان, الجزایر و مراکش گسترش یافت.

گام نخست در تقریب مذاهب اسلامی

می توان گفت نخستین گام در راه نزدیک کردن مذهبهای اسلامی را سیدشرف الدین موسوی جبل عاملی, با

نوشتن کتاب: (الفصول المهمه فی تألیف الامّه) در سال 1327هـ.ق, کم وبیش همزمان با انتشار کتاب تنبیه الامّه, اثر میرزای نائینی برداشت. وضع و حالت فراهم آمده در جهان اسلام و نیازهای غیردرخور انکار جامعه اسلامی آن روز, چنان حرکتهایی و پدید آوردن چنان عرصه هایی را بایسته بود.

سیدشرف الدین موسوی (1290 ـ 1377هـ.ق) در میان چهره های برجسته تقریب که مورد کندوکاو این مقال قرار گرفته است, نمونه عالی تقریب هم از نگاه و زاویه عملی و هم از بعد نظری بود. او به خانواده ای بستگی داشت که در آن فقیهان و پیشوایان بزرگ ظهور کرده بودند. در کاظمیه بغداد چشم به جهان گشود, بعد همراه پدر به جبل عامل برگشت و بار دیگر در سال 1310هـ.ق. روانه عراق و نجف اشرف شد و در حلقه درسی شیخ حسن کربلایی, شیخ محمد طه نجف, شیخ محمدکاظم خراسانی, سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی شرکت جست و در فقه و اصول و حکمت و کلام و تفسیر و حدیث به کمال رسید و سال 1322هـ.ق. 1905م در 23سالگی1 به جبل عامل رفت و مورد استقبال شیعیان آن جا قرار گرفت. سید حسن صدر, دایی ایشان و شیخ محمدرضا آل یاسین پسرخاله اش بود. او با آقا بزرگ تهرانی و بسیاری از چهره های برجسته شیعه در درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی از نزدیک آشنایی داشت.

سید عبدالحسین شرف الدین پس از بازگشت به جبل عامل, زندگی نوینی را آغاز کرد. در این زندگی نوین امر به معروف و نهی از منکر, جایگاه برجسته ای داشت. تأکید بر اصلاح امت اسلامی و یگانگی مسلمانان و دوری از هرگونه سخن و رفتار تفرقه انگیزانه, مشی و روش او در حرکت جدید قرار گرفت.

از ویژگیهای شخصیت علمی سید شرف الدین, جامع بودن ایشان در همه معارف رایج آن روز از جمله: فقه, کلام, حکمت, اصول, تفسیر, حدیث, تاریخ, سخنوری, مناظره و ادبیات بود. او همه این دانش گسترده خود را در راه گسترش اسلام و حفظ وحدت مسلمانان و کنار زدن پرده های جهل و بی خردی آنها به کار گرفته بود.

وقتی سیل بنیان کن تمدن و فرهنگ غرب متوجه جهان اسلام شد و همه دانشوران به سمت مدارس جدیدی که براساس تربیت اسلامی پایه ریزی نشده بود, روی آوردند, سید شرف الدین که به خوبی و با هشیاری دریافته بود: نمی توان با این جریان سهمگین به صورت رویارو به مبارزه پرداخت و نمی توان مردم را از شرکت در این مدرسه های نوبنیاد بازداشت, مدرسه های جعفری و دانشگاه جعفری را برای پسران و دختران بنیان نهاد, تا از باورها و ارزشهای دینی آنان پاس بدارد.2 باشگاه امام صادق ـ نادی الامام الصادق(ع) ـ از بنیادهای عام المنفعه اوست. این بنا برای جشنها و جلسه های فرهنگی و مذهبی مورد استفاده قرار می گرفت. او برخلاف مرجعیت و کارهای بسیاری که داشت, متوجه نیازهای مردم بود و در رفع آنها از هیچ حرکت و کاری فروگذاری نمی کرد و در این حال, ده ها کتاب مفید, راهگشا و روشنگر نگاشت.

سید شرف الدین, از ذهن نقاد برخوردار بود و در آثار خود با روشهای خاصی می نوشت که برجستگیهای آنها از آثار دیگران, به خوبی خود را می نمایاند. او تاریخ اسلام را به خوبی می شناخت و آن را

غربال کرده و درستی و نادرستی گزارشهای تاریخی را از یکدیگر به درستی باز می شناخت. چنانکه سنت نبوی را در منابع اهل سنت و شیعه دنبال می کرد و در سایه این پژوهشها به حقیقتهای نابی دست یافت که بیش تر علمای پیشین به آنها دست نیافته بودند. چنین بود که می دانست چگونه از اسلام به حراست بپردازد و چگونه نیرنگ دشمنان اسلام را بشناسد و آنها را نقش بر آب کند.

سید شرف الدین, هرگز از حرکتهای اصلاحی, اجتماعی و رهبری مردم دست نکشید و دغدغه اصلی ایشان ترسیم زوایای زندگی اجتماعی مردم مسلمان بود. او در این راستا با حکام دوران حاکمیت عثمانی ها به مخالفت برخاست و خود را به خطر افکند.3

وقتی استعمارگران فرانسوی سوریه را اشغال کردند, شرف الدین قد عَلَم کرد و بر ضد قوای اشغال گر دست به کار شده و در وادی الحجیر کنگره ای تشکیل داد و علمای سراسر لبنان را فراخواند و علیه استعمار فرانسه فتوای جهاد داد و عموم حاضران فتوای ایشان را مورد تأیید قرار دادند.4 در جریان این موضع گیریها بود که فرانسویان در شهر شحور, خانه سید را آتش زدند و این در حالی بود که پیش از این نیز در صور خانه اش را به آتش کشیده و کتابخانه اش را غارت کرده بودند.5

سید, مجبور شد به سوریه برود و در دمشق ملک فیصل با آغوش باز او را پذیرفت. فیصل یکی از روزها به وسیله گماشته ویژه خود, احسان جابری, مبلغ 5هزار دینار طلا را برای ایشان فرستاد, ولی سید از قبول آن سرباز زد. فهماند برای دنیا به حرکت بزرگ روی نیاورده, آن چه او را به این وادی پر خطر افکنده و خستگی ناپذیر در گوناگون جبهه ها, علیه استعمار, پراکندگی, تحریف و خرافه می ستیزد, خداست.

ویژگیهای زیبای او, در کارهای فرهنگی و سیاسی همه را شگفت زده کرده بود. از این روی امیر شکیب ارسلان درباره او نوشت:

(کسی را به اندازه بزرگواری شرف الدین که انقلاب جبل عامل را علیه فرانسویان در سال 1337هـ.ق/ 1919م رهبری کرد, در عمر خود ندیده ام.)6

سید شرف الدین از سوریه به فلسطین و از آن جا به مصر رفت. او در یکی از سخنرانیهای خود گفت:

(سیاست, شیعه و سنی را از هم جدا کرده و باید سیاست آنها را با هم جمع کند.)7

شرف الدین در اواخر سال 1338هـ.ق از مصر خارج شد و در سال 1339هـ.ق با میانجی گری دایی زاده اش سید محمد صدر به لبنان بازگشت و مورد استقبال مردم قرار گرفت و مبارزات او تا استقلال کامل لبنان در سال 1323هـ.ش/ 1364هـ.ق/ 1945م ادامه یافت. وی همواره خطر از دست رفتن فلسطین را در سخنرانیهای خود گوشزد می کرد و در این که کانال سوئز, به دست دشمن افتاده بود, بسیار ابراز نگرانی می کرد.

از رویدادهای مهم دوران حیات شرف الدین, می توان به ظهور امپراتوری کمونیسم و به وجود آمدن دولت اسرائیل با پشتیبانی مالی, سیاسی و فرهنگی دولتهای غربی و فروپاشی امپراتوری عثمانی و تقسیم قلمرو آن به کشورهای کوچک تر اشاره کرد.

چالشهای جهان اسلام در دوره سید شرف الدین با توجه به رویدادهای مهمی که به آنها اشاره شد, گوناگون و ژرف بود. یکی از این چالشها تهدید ثبات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام بود. مراد از ثبات سیاسی و اجتماعی وجود پیوندها و بستگیهای نظام مند میان دولتمردان و ملتها, در جامعه های اسلامی است که در برابر آن نابسامانی ناشی از حالت ناپایدار و آشفتگی و پریشانی سیاسی و اجتماعی قرار دارد.

بیش تر ملتهای مسلمان, زیر نفوذ امپراتوری عثمانی و در زیر کیان سیاسی به هم بافته ای با عنوان خلافت اسلامی روزگار می گذراندند; اما با فروپاشی حاکمیت خلافت اسلامی, جغرافیای یک پارچه اسلامی تجزیه گردید و به شکل حاکمیتهای قومی, نژادی و مذهبی تبلور یافت و خلافت اسلامی, جای خود را به پراکندگی و اختلاف در شکلهای گوناگون داد که ریشه شماری از آنها در کشمکشهای مذهبی و فرقه ای قرار داشت.

سید شرف الدین, راه های دستیابی به ثبات سیاسی و اجتماعی مسلمانان را در چنین برهه و هنگامی و با چنین زمینه هایی در سه جریان زیر دنبال کرد:

1. اصلاحات اعتقادی
2. پویایی فرهنگی
3. وحدت اسلامی

سید شرف الدین به منظور جامه عمل پوشاندن به سه جریان بالا به مدینه, مکه دمشق, قاهره و فلسطین سفر کرد نخستین عالم شیعی بود که در مسجدالحرام به امامت پرداخت و همه به او اقتدا کردند و در اواخر سال 1355هـ.ق/ 1937م به عراق رفت و به شیخ محمدرضا آل یاسین وارد شد و با بزرگان علمای آن جا دیدار کرد و مورد استقبال اعیان و وزرا در بغداد قرار گرفت.

بعدها, سفری به ایران داشت که سفر پرخیر و برکتی بود.

انگلیس در دوره حاکمیت خود, سفیرش را به بیروت برای دیدار علما فرستاد. ولی ایشان, سفیر انگلیس را نپذیرفت. پس از اصرار زیاد دوستان, ایشان اجازه داد تا نمایندگان انگلیس به دیدارش بیایند و وقتی آنان جلوی خانه وی رسیدند, امام سید شرف الدین پنجره خانه خود را باز کرد و از آن جا در حالی که به نمایندگان دولت انگلیس نگاه می کرد, سوره شریفه زیر را قرائت کرد:

(بسم ا الرحمن الرحیم, قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین.)

بعد پنجره را بست و دَرِ خانه خود را به روی آنان نگشود.

سفیر انگلیس در حالی که به همراهان خود نگاه می کرد, گفت:

(امکان ندارد ما با مسلمانان بویژه شیعه بر سر یک میز بنشینیم و به آنان چیره شویم.)8

آفاق اندیشه های امام شرف الدین بسیار گسترده و پهناور است. او با همه صاحب نظران هم عصر خود,

شیعه و سنی, در پیوند بود و آثار آنان را مطالعه می کرد و در صورت نیاز به نقد, به نقد آنها می پرداخت و اشتباه های آنان را گوشزد می کرد و آنان را از تندروی و یا کندروی نسبت به نقد آنها باز می داشت.

او در عصر خود از بزرگ ترین داعیان وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب اسلامی بود. همه را به وحدت نظر و تشکیل یک جبهه فرامی خواند و در این راه همه توان خود را به کار می گرفت.

بیش ترین رویکرد آثار سید شرف الدین از نخستین آنها که کتاب الفصول المهمه فی تألیف الامه است و در سال 1287هـ.ق/1327هـ.ق/ 1910م نشر یافت, تا آخرین آنها یعنی النص والاجتهاد, چاپ 1334هـ.ش/ 1375هـ.ق/ 1956م, توجه عمده به حفظ وحدت کلمه بود.

در سفر سال 1290هـ.ش/ 1329هـ.ق/ 1911م به مصر, علمای بلند پایه قاهره به رهبری شیخ سلیم بشری, شیخ الازهر, به دیدار او رفتند این دیدارها ادامه داشت, تا به جلسه های بحث و گفت وگو انجامید. در این جلسه ها, مقوله های مهم مورد اختلاف در علم کلام و اصول, به بحث گذاشته شد و میان آنها رساله های علمی زیادی به شکل سؤال و جواب ردّ و بدل گردید و کتاب المراجعات, دستاورد این پیوندها, نشست و برخاستها و دیدارهای حضوری ایشان است. این دیدارها و تبادل نظرها را می توان در ردیف حرکتهایی دانست که پایه های اصلی تقریب را به وجود می آورد.

المراجعات در شهر صیدا در سال 1355هـ.ق چاپ شد و در بغداد سال 1365هـ.ق تجدید چاپ گردید و علامه شیخ حیدرقلی سردار کابلی آن را ترجمه کرد و با نام المناظرات در سال 1365هـ.ق در تهران به چاپ رساند. این کتاب, سپسها به انگلیسی و هندی نیز برگردانده شد. دو سال پس از چاپ المراجعات بود که شیخ محمدتقی قمی برای حرکت تقریبی خود به قاهره سفر کرد و ما در جای خود به شرح آن خواهیم پرداخت.

سید شرف الدین در سال 1375هـ.ق النص والاجتهاد را چاپ کرد. همه آثار سید شرف الدین, در راستای روشنگری مقوله های مذهبی مورد خلاف و دفاع خردمندانه از باورهای اسلامی شکل گرفته است.

او با این که به وحدت اسلامی معتقد بود و بر این باور بود که یک آن نباید از تلاش برای به حقیقت پیوستن و بیان آن کوتاهی کرد.

کتاب (الی المجمع العلمی العربی بدمشق) از آثار دیگر سید شرف الدین است که در سال 1369هـ.ق در صیدا چاپ شد. ایشان در این نوشته به نقد مقاله محمد کردعلی, رئیس مجمع, پرداخت.9

حق مداری سید شرف الدین ایشان را به سمت پرهیز از غلو کشاند.

او شیعه امامی را امت وسط می دانست.10 به همین دلیل, به امانت داری, در روایت تاریخ امت اسلامی, بسیار اهمیّت می داد و استاد محمد کردعلی, رئیس مجمع عربی دمشق را, به دلیل آزادگی و به دور بودن از وابستگی عاطفی به امویان می ستود.11

او چرایی و سرمنشأ کندوکاو تاریخی خود را ضعف بصیرت و کمبود آگاهی ها و ناآشنایی معاصرین به نقد

رجال و احوال آنان می داند.12

نگاه ایشان به تاریخ, یک نگاه تحلیلی اجتهادی است. ایشان هرگز در هزار توی نقلهای راست و ناراست تاریخ گم نمی شود. نگاه ایشان تند و تیز است و در میان رویدادهای بی شمار تاریخی, سراغ رویدادهایی رفته است که اثرگذارتر و اختلاف آفرین بوده است.

تاریخ از منبعهای معرفتی امام شرف الدین است. کندوکاوهای ژرف تاریخی ایشان در آثاری چون مولفوا الشیعه فی صدر الاسلام والکلمات13 و الفصول المهمه و آثار دیگر بازتاب یافته است. از مطالعه این آثار, روشن می شود که ایشان عصر جاهلیت و دوره ظهور اسلام و عصر خلفا و دوره امویان و عباسیان را به دقت پژوهش کرده است. او با مرور به گزارشهای تاریخی و باورهای پیشین سعی می کند اختلافهای برآمده بر بستر زمان را کنار بگذارد.

ایشان از سخنان و داعیه های خلاف واقع که فاقد منشأ انتزاع هستند و در میان فرقه های اسلامی, بسیار راه یافته است, سخت نفرت داشت و در همه آثار خود اثر بد و ویران گر این گزافه ها را گوشزد می کرد.14

او, بگومگو در مسائل خلاف را به لحاظ منطقی, صغروی می دانست و بر این باور بود مسلمانان در کبرای قضیه با هم درگیری ندارند.15 ایشان در این راستا به دیدگاه شیخ جمال الدین قاسمی دمشقی, از علمای اهل سنت, در رساله میزان الجرح و التعدیل و به دیدگاه رشیدرضا در مجلد17 المنار/17, استناد می کند و یادآور می شود آنان نیز دیدگاهی همانند او دارند. در اصل همه مذاهب از نظر سید شرف الدین, بر این باورند که رویکرد آنها به حق و کشف حق است.16

دعوت ایشان به وحدت و کنار گذاشتن جانبداریهای کور و غیر منطقی و بی ریشه است و هشیاران و عالمان را به روش مندی در ارائه اندیشه دعوت می کند. روش ایشان در راه دعوت, با تکیه بر بازگشت به قرآن و سنت و نشان دادن آثار ویران گر ناسازگاریها در متن تاریخ و تجربه های سیاسی در خلال حیات پربار و برخورداری از برهان و دلیل است.

ایشان در یادداشت خود به مجمع علمی عربی به دمشق یادآور می شود:

(خواسته من از گردانندگان مجمع و همه مسلمانان این است که از جانبداریهای کور مذهبی خود پرهیز کنند و فقط پیرو دلایل شرعی باشند, کاری که پیشینیان ما در صدر اسلام کردند.)17

او در الفصول المهمه پس از بیان حقایق بی شمار تاریخی, برای ترازسازی برخوردها و پیوستگیهای شیعه و اهل سنت و اظهار شگفتی از تندروی های شماری از افراد نابخردی چون نشاشیبی در دمشق و شماری از نویسندگان تندرو المنار که بر راه معاویه پافشاری می کردند و با نوشته های خود میان مسلمانان تفرقه به وجود می آوردند, می نویسد:

(پروردگارا ما را به زشت کاریهای نادانان مان نگیر, خدایا از سرکشیهای شیطانی و کوردلیها و خوابهای سفیهانه ای که برای ما می بینند و از بیدادگریهای پست فطرتان به تو پناه می بریم. بارالها ما از این نعره های پر کینه و سر و صداهای تعصب آمیزشان سخت بیزاریم, اینان با رفتار خود, جمعیت مسلمانان را پراکنده کرده و سستی به وجود می آورند و اقتدار اسلام را به باد فنا می دهند و قلبها را پاره پاره می کنند).18

او در مقام نیرومندسازی عاملها و عنصرهای پیونددهنده میان فرقه های اسلامی بود. اما ایشان این همبستگی را نه از راه کم رنگ کردن عاملها و انگیزه های تفاوت زا, بلکه از راه عاملهای پویا و بالنده میان آنان, دنبال می کرد.

ایشان, به این منظور از درافتادن به دام روایتهای بنیادگرایانه, با گشوده نگه داشتن باب نقد, از افتادن در حلقه جزمیات و حقیقت انگاشتن باورهای بی اساس دوری می جست. او باب نقد را همیشه گشوده نگه داشته بود.

وحدت مورد نظر سید شرف الدین, وحدت عقیده, وحدت عمل و پیروی, وحدت رهبری, وحدت هدف, وحدت مکارم اخلاقی و وحدت فرهنگی است. یگانگیهایی که از چشم انداز صاحب نظران و دانایان به هدفهای اسلامی, همیشه خوشایند بوده و قلب مسلمانان برای رسیدن به آن تپیده است و به دلیل وجود عنصرهایی چون اختلاف مذاهب, گوناگونی و بسیاری حکومتها, اختلافهای قومی, اختلاف زبانها, جهل, طعن, عوام زدگی و مصلحت نظام های سلطه در میان مسلمانان, به حقیقت نمی پیوندد.

دفاعهای او و سید محسن امین و کاشف الغطا از تشیع و طرح علمی مسائل مورد اختلاف تشیع و تسنن, از بزرگ ترین عاملها و انگیزه های هم فکری امت اسلامی و بزرگ ترین مبارزه با بذرافشانی تفرقه, کینه توزی جاهلانه و مرتجعانه و دشمنان خارجی بوده است.

بنیان گذاری دارالتقریب مذاهب اسلامی در قاهره

دیدیم گام نخست را در راه تقریب مذاهب اسلامی سید شرف الدین جبل عاملی برداشت. حرکت درست او در شکل گیری دارالتقریب, یعنی آماده سازی زمینه های پذیرش این حرکت بنیادین در جامعه اسلامی بی اثر نبود.

در اصل, نظریه سازی سید شرف الدین بود که تأسیس دارالتقریب را از سوی مرحوم شیخ محمدتقی قمی, امکان پذیر ساخت. قمی ابتدا برای آشنایی با گویش زبان عربی به لبنان سفر کرد و پس از آشنایی کافی با این زبان, به سال 1357هـ.ق/ 1938م به مصر مهاجرت کرد و با بزرگان علمای الازهر از نزدیک آشنا گردید.

در آن زمان, شیخ مصطفی مراغی, ریاست الازهر را به عهده داشت و هم او, زمینه را برای تلاشهای بیدارگرانه و وحدت آفرین قمی فراهم ساخت و پس از درگذشت شیخ مراغی, شیخ مصطفی عبدالرزاق و امام عبدالمجید سلیم نظریه تقریب را مورد حمایت قرار دادند.

در این ایام, جنگ جهانی دوم (1358ـ1364هـ.ق/ 1939ـ 1945م) روی داده و شهرهای زیادی به ویرانی کشیده شد. این جنگ, مجالی را پیش آورد برای طراحان تقریب, تا پیش از آن که استعمار حرکت خود را دنبال کند, به گرفتاریهای خود رسیدگی کرده و برای حل آنها چاره اندیشی کنند. در این ایّام, هرچند جریان تقریب به صورت موقت رها شد, ولی شیخ محمدتقی قمی در سال 1365هـ.ق/ 1946م بار دیگر به مصر بازگشت و مرحله دوم تقریب از این سال آغاز گردید. در این زمان, شیخ مصطفی عبدالرزاق شیخ الازهر بود و مقرر شد ایشان از بیرون مجمع تقریب را مورد حمایت قرار دهد و شیخ عبدالمجید سلیم در جماعت حضور می یافت.19

پس از درگذشت شیخ مصطفی عبدالرزاق, شماری از نابخردان یک جانبه گرا, تلاش کردند جلو کارها و تلاشهای مجمع تقریب را بگیرند, ولی این بار, پشتیبانیهای معنوی عبدالمجید سلیم, سد راه آنان شد.20 ایشان تا پایان حیات, از جریان تقریب پشتیبانی کرد, تا این که شیخ محمود شلتوت که از اعضای جماعت بزرگان علما و استاد دانشگاه الازهر بود, در جماعت تقریب شرکت جست و به پیشنهاد ایشان مجمع تقریب به دارالتقریب تغییر نام یافت.

ایشان در نخستین دیدار خود با شیخ محمدتقی قمی در قاهره, تحت تأثیر زندگی ساده و اندیشه های بلند او قرار گرفت و از همان دیدار نخست, دوستی استواری میان آنان به وجود آمد.21

شیخ محمود شلتوت خود درباره داستان شکل گیری تقریب می گوید:

(امام مصلح محمدتقی قمی, نخستین کسی بود که دعوت تقریب را مطرح کرد و به خاطر آن به شهر قاهره آمد و در این جا درنگ نمود و با بردباری بذری را که پاشیده بود به ثمر رساند.)22

و در پی آن, ایشان مقدمه ای بر تفسیر مجمع البیان نوشت, تا در قاهره انتشار یابد و فتوای مشهور خود, درباره جواز عمل به مذهب شیعه را صادر کرد و مذهب شیعه امامیه را همردیف مذاهب چهارگانه رسمی اهل سنت قرارداد و عمل به احکام فقهی آن را برای پیروان سایر مذهبهای اسلامی جایز شمرد.

شیخ محمود شلتوت می گفت:

(کلمه اسلام, دچار چالشهای عصبی و تفرقه مذهبی شده است. این در حالی است که اسلام با عصبیت هیچ سازگاری ندارد. زمان عصبیت جاهلی سپری شده, ما همه مسلمان هستیم و مذهب همه ما از یک اصل سرچشمه می گیرد و آن رسالت محمد, کتاب الهی و سنت رسول خداست.)23

ایشان ریشه اختلافها و ناسازگاریها را در عصر حاضر, نفوذ استعمار می دانست.24 و در مصاحبه ای گفت:

(مهم ترین نکته برنامه من, ستیز با عصبیت مذهبی و فضاسازی برای ارائه علوم دینی در جو صفا و برادری و بحث از حقیقت و هر چیزی است که سود و بهره ای برای مردم داشته باشد).25

شیخ محمود شلتوت, همانند شیخ محمدحسین آل کاشف الغطا, که تقریب را به مفهوم زایل کردن اصل خلافت نمی دانست و بر این باور بود که خلافت نباید منشأ دشمنی میان مذاهب اسلامی شود و هدف از تقریب, دگر کردن دوریها و درگیریها, به برادری و نزدیکی است26 و اختلافهای فقهی نباید موجب دشمنی شود.27 می گفت:

(مراد ما این نیست که همه را به یک مذهب فرابخوانیم و مذهب شیعه را در مذهب سنت درآمیزیم یا مذهب سنت را در مذهب شیعه. مراد و هدف ما این است مسلمانان با یکدیگر, همکاری کنند, همکاری مهرورزانه. عصبیت را کنار بگذارند و از هر گونه بدگمانی بپرهیزند. این امر سبب خواهد شد که اندیشه به گونه آزاد شکل یابد و دستیابی به حقیقت بدون ترس و نگرانی امکان پذیر باشد.)28

شیخ محمود شلتوت راه رسیدن به وحدت را با ترک عصبیت و تمسک به حق, همراه با همدلی, همراهی و انصاف و در یگانه سازی فرهنگ اسلامی می دانست.

از نظر او, وحدت فرهنگی موجب خواهد شد که علوم اسلامی و منابع علمی میان همه مسلمانان, در گردش باشد و این امر, پیوند علمی و عاطفی میان آنان را تشدید خواهد کرد.29

شیخ محمود شلتوت در مقدمه خود بر مجمع البیان امین الاسلام شیخ ابی علی فضل بن حسن طبرسی, سخنانی دارد که سلوک عملی ایشان را در جریان وحدت اسلامی, نشان می دهد و یادآور می شود که چگونه امین الاسلام طبرسی وقتی از کشاف زمخشری آگاه شد, کوشش کرد بدون هیچ تعصبی از این تفسیر نیز بهره جسته و از مشرب او آگاه گردد.

دارالتقریب بین مذاهب اسلامی با هدف نشر اندیشه های وحدت آفرین, به جامعه اسلامی, مجله رسالة الاسلام را به عنوان ارگان رسمی خود, به سال 1368هـ.ق (1949م) در قاهره منتشر می کرد و این مجله, همزمان به کشورهای دیگر اسلامی فرستاده می شد. در این مجله, تقریب با رویکردهای زیر مورد توجه قرار گرفت:

1. یادآوری وحدت امت و عناصر وجودی آن.
2. نفوذ ظنون در تعامل مذاهب فقهی.
3. بیان و روشنگری وحدت فرهنگ اسلامی.
4. شرح و باز کردن هماهنگیهای شیعه و سنی در بحثهای فقهی.
5. بیان و نمایاندن فراگیری اسلام.
6. نمودن کارآمدی دین در جامعه.
7. بیان بایستگیهای مشترک دین و مذهب در میان فرق اسلامی.
8. طرح فرازهای مهم دست آوردهای مذاهب اسلامی.
9. ارج نهادن به تلاش پیشینیان, اعم از علما و سیاست مداران در راه وحدت اسلامی.
10. شناساندن نخبگان معنوی و علمی جهان اسلام.
11. شناساندن فرقه های اسلامی.

12. تشریح وضعیت کنونی امت اسلامی.

13. نشان دادن چگونگی نفوذ غرب در جامعه های اسلامی.

14. شناساندن فقه شیعه و اهل سنت.

15. نمایاندن و آشناسازی اهل فرهنگ با آثار برجسته فرقه های اسلامی.

دارالتقریب, کم کم و در ربع قرن تلاش پی گیر, جلوه و نُمادی از همکاری و هم فکری بین شرق و غرب جهان اسلام درآمد.

این مجمع, اصلاح گران اسلامی را از مذهبها و شهرهای گوناگون گردهم آورد. در آغاز, به گفته شیخ محمدتقی قمی:

(سلطان تعصب بسیار قوی بود و عامه مردم حاضر به تحمل تقریب بین شیعه و سنی نبودند.)30

ولی با سیاست و برتابیدن گرفتاریهای فراوان, دارالتقریب توانست به سرعت ازمرحله زمینه سازی به مرحله پدیدار ساختن و از این مرحله به مرحله سوم, یعنی تنفیذ و راه یابی به درون بازدارنده ها و گذر از آنها, برسد.

پیشاهنگان تقریب به جز نامبردگان, محمدعلی علویه, اندیشه ور و اصلاح گرِ نامی, شیخ آلوسی, فرزند صاحب تفسیر آلوسی, محی الدین قلیبی دانشمند تونسی, حاج امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین, شیخ محمد عبداللطیف, رئیس اداره الازهر, شیخ محمد عبدالفتاح العنانی, رئیس مذهب مالکی, شیخ عیسی منون, رئیس دانشکده الشریعه, شیخ حسن البنا, رهبر اخوان المسلمین, محمد کردعلی, رئیس فرهنگستان علمی دمشق بودند.

محمد مدنی, محمد عبدا محمد, محمد عبدا دراز, احمد امین, فرید وجدی صاحب دائرة المعارف, عبدالجواد رمضان, عبدالوهاب حموره, یحیی الخشاب, توفیق فکیکی, محی الدین, عباس حسن, محمود محمد خضیری و محمود فیاض نیز در جریان دعوت تقریب قرار گرفته و با آن همراهی کرده اند و کتاب دعوة التقریب من خلال رسالة الاسلام31 نمایان گر همکاری آنان است.

به این ترتیب, تقریب در ترکیه, پاکستان, سوریه, یمن, لبنان, عراق, ایران و کشورهای دیگر, گسترش و این مرکز مورد مراجعه محافل بین المللی چون یونسکو قرار گرفت.

شیخ محمود شلتوت از اجتماعها و گردهماییهایی در دارالتقریب سخن می گوید که مصری کنار ایرانی, یا لبنانی یا عراقی, یا پاکستانی و یا دیگر قومیتها و نیز حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی کنار امامی و زیدی می نشستند و درباره یک مسأله بحث می کردند.32

در عکسهایی که بر جای مانده از دارالتقریب, ما تصویر شیخ حسن البنا, مؤسس و مرشد اخوان المسلمین, علی مؤید امام شیعه زیدیه یمن, امام عبدالمجید سلیم شیخ الازهر, امجد الزهاری از علمای بزرگ عراق, حاج امین حسینی از فلسطین, شیخ آلوسی و شیخ محمدتقی قمی مؤسس تقریب را کنار هم می بینیم.

از علمای شیعه, علامه ابوعبدا زنجانی نیز در آن سالها در دمشق و قاهره حضور داشت و پاره ای از دیدگاه ها و اندیشه های خود را در مطبوعات عربی, بازتاب می داد. ایشان در آغاز سال 1354هـ.ق/ 1936م به قاهره رفت و مورد استقبال اساتید بزرگ دانشگاه الازهر قرار گرفت. و در همین سفر, کنفرانس ارزنده خود را, با عنوان: دوأ المسلمین فی الرجوع الی القرآن در الهدایة الاسلامیه ایراد کرد و متن سخنرانی ایشان در شماره 448 نشریه مصری الفتح منتشر شد.
در همین سفر بود که با علامه مصطفی مراغی, رئیس دانشگاه الازهر, و دکتر عبدالرحمن شهبندر و علامه عبدالوهاب عزام دیدار و درباره وحدت اسلامی و همدلی و هم فکری مسلمانان به گفت وگو پرداخت.

از علمای دیگر شیعه, که در امر تقریب, در شمار پیشگامان به حساب می آیند, می توان به نام سید حسن صدر, شیخ محمدحسین کاشف الغطا, شیخ محمدرضا آل یاسین, شیخ جواد مغنیه, سید محسن جبل عاملی, علامه امینی, شیخ مهدی خالصی, هبةالدین شهرستانی, سید ابوالقاسم خویی و شیخ محمدرضا مظفر اشاره کرد.
همه اینان, که بزرگان, صاحب نظران و اندیشه وران گروه ها و فرقه های اسلامی در کشورهای لبنان و عراق بودند که دلسوزانه, در راه امر اصلاح و تقریب مسلمانان همت گماشتند.33
در این عصر, آثار طه حسین, جودت السحار, سید قطب, محمد قطب, عباس عقاد, کاتب الشاطی و محمد غزالی از علمای اهل سنت مورد توجه اندیشه وران و فرهیختگان شیعه بود.

اما در میان مراجع و چهره های برجسته داخل ایران که همزمان با دارالتقریب, گامهای اساسی در راه تقریب برداشته اند, می توان از آیت ا سید حسین طباطبایی بروجردی (1292ـ1380هـ.ق) یاد کرد. ایشان علاقه فراوانی به مسئله وحدت اسلامی و هم فکری و نزدیکی بین مذاهب اسلامی داشت و چند سال پیش از آن که به قم رخت بکشد, دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه در قاهره بنیان گذاشته شده بود و ایشان در دوران مرجعیت خود, با این نهضت همکاری نزدیک داشت و آن را یاری کرد.

برای نخستین بار پس از چندین قرن, میان رهبر شیعه و رهبر روحانی سنی, شیخ عبدالمجید سلیم و پس از فوت او شیخ محمود شلتوت مفتی مصر و رئیس جامع الازهر, پیوندها و پیوستگیهای بسیار راهگشا, بنیادین و دوستانه برقرار شد و نامه هایی ردّ و بدل گردید.34
آیت ا بروجردی, در راه از سرگیری, گفت وگوهای علمی, دادوستدهای فکری بین سنی و شیعه, کارهای بزرگی انجام داد و گامهای بلندی برداشت, از جمله, با همکاری شیخ شلتوت شعبه ای از دارالتقریب در قم بنیان گذارد.35
علامه شیخ محمد صالح حائری مازندرانی از علمای بزرگ ایران, با دارالتقریب همکاری داشت و رساله ای را برای نشر در رساله الاسلام, با عنوان: منهاج عملی للتقریب نوشت.36 در این مقاله, راه های سازش

میان اهل سنت و شیعه را در امامت و خلافت و راه های سازش امامی و زیدی مطرح شده است.
جریان تقریب, پس از آقای بروجردی, در میان مراجع شیعی داخل کشور, از سوی آیت ا سید محمدهادی میلانی نیز پذیرفته شد.
ایشان, هرچند پیش از آمدن به ایران, در لبنان و سوریه و عراق, از نزدیک با صاحب نظران اهل سنت و اندیشه های آنان آشنایی داشت و خودش در راه تقریب, نزدیک سازی برادران اسلامی در فکر و عمل, گامهای بلندی برداشته بود و به همین دلیل در مشهد نیز مورد توجه زایرین دیگر کشورهای اسلامی, از شیعه و اهل سنت بود.

وی, در دیدار با شیخ محمدتقی قمی, وقتی در جریان فتوای شیخ محمود شلتوت قرار گرفت و فتوای شیخ محمود شلتوت را آقای قمی, حامل فتوا, تحویل ایشان داد, به تلاش برخاست, این فتوا را به بهترین وجه, بازتاب بدهد. از جمله, از علمای بزرگ دعوت کرد و جلسه ای مهم در حرم رضوی تشکیل داد و در آن جلسه, پس از آن که این خبر مهم به آگاهی همه رسید, آقای میلانی از آقای قمی خواست که فتوای شیخ محمود شلتوت را برای حاضران قراءت کند. در این جلسه آیت ا سید علی خامنه ای و استاد شیخ محمد واعظ زاده خراسانی نیز حضور داشتند.37
در سال 1347هـ.ش/ 1388هـ.ق/ 1970م شیخ محمد فحام, شیخ الازهر نیز, با آقای میلانی دیدار کرد. ایشان در نامه خود به شیخ حسن سعید از این دیدار یاد کرده است.

شیخ محمد فحام دیدار با همه رهبران اسلامی را برای تقریب اسلامی لازم می دانست.38
دعوت تقریب, بر روشهای علمی استوار بود و یک دعوت فردی شمرده نمی شد و چنانکه اشاره شد, چهره های بزرگی از پیشوایان شیعه و اهل سنت ره یافتهای آن را تأیید کردند. این ره یافتها, عبارت بود از پایان دادن به فضای تهمت و بهتان, بازگشت به اصول اولیه, قرآن و عترت, بهره گیری از تأویل, رویکرد به آینده جهان اسلام, انتقاد از وضع موجود و تلاش برای اصلاح امور دنیوی مسلمانان و تأکید بر اصلاحات ساختاری و نظری و روش شناسی و پرهیز از تقلید و رویکرد جدّی به اجتهاد و حرمت نهادن به اجماع مسلمانان و خرافه زدایی از دین و رویارویی با عصبیتهای فکری و فرهنگی, دفاع عقلانی از اسلام و نمایاندن جهان شمولی اسلام.

از آن چه گفته شد و جایگاهی که تقریب مذاهب اسلامی در راه رسیدن به وحدت دارد و با توجه به چیرگی گفتمان غربی, ضرورت و تجدید گفتمان اندیشه اسلامی در دوره حاضر, بویژه بعد از انقلاب اسلامی, بیش تر نمود پیدا کرده است. حاضر نشدن در صحنه های تمدن ساز, مانع گسترش دامنه اثرگذاری گفتمان اسلامی شده و بیم آن است که بسیاری از دستاوردهای اصلاح گران بزرگ که در راه همدلی, هم فکری مسلمانان به

تلاش برخاستند, از جمله سید شرف الدین که در قله این حرکت بود, به بوته فراموشی سپرده شود.

از آن جا که تقریب رویکردی است مثبت به گفتمان اسلامی, و در راستای نیرومندسازی عاملها و سببهای پایداری در برابر سرکشی تفکر مهاجم غرب بسیار کارآمد و اثرگذار است, به همین دلیل به دستور مقام معظم رهبری, مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی در سال 1411هـ.ق تأسیس شد از هدفهای والای این مجمع, کوشش در راه به حقیقت پیوستن هم فکری میان علما و اندیشه وران عالم اسلام در حوزه عقاید, فقه, مسائل اجتماعی و سیاسی و تشکیل جبهه واحد براساس مبادی اسلامی ثابت, در برابر هجوم فرهنگی دشمنان اسلامی, عمل در راستای اشاعه اندیشه تقریب بین جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولتها و ملتها و اشاعه مبدأ اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی و دستیابی به آرای فقهی مشترک در مسائلی است که در جهان اسلام مطرح هستند.

براساس این دیدگاه است که کنفرانسهای بین المللی در ایران و خارج از کشور راه اندازی شد, دانشگاه مذاهب اسلامی تأسیس گردید و مرکز بحثها و درسهای فقهی و کلامی راه اندازی شد و مجله رسالةالتقریب منتشر گردید و کتابهای مفیدی به چاپ رسید. این خط مشی, همان خط مشیی است که چهره های تقریب دنبال می کردند.

نویسنده:غلامرضا جلالی

منبع:حوزه سال 1383 شماره 124

پی نوشتها:

1. نقباء البشر فی القرن الرابع العشر, آقا بزرگ تهرانی; مقدمه مولفوا الشیعه فی صدر الاسلام, سید عبدالحسین شرف الدین, چاپ دوم, تهران, مکتبة النجاح.

2. علماء ثغور الاسلام فی لبنان, سید عباس علی موسوی, ج1/527, بیروت, دارالمرتضی, 1421هـ.ق.

3. همان/526.

4. علمای مجاهد, محمدحسن رجبی/257, انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی, تهران, 1382.

5. همان/258.

6. دین و تمدن, محمدعلی حومانی, ج1/239 به نقل از حیات امام شرف الدین, نوشته شیخ احمد تبیسی/113.

7. علمای مجاهد/258, به نقل از مجله المنار.

8. اذکیاء الفقها والمحدثین, محمدرضا حکیمی/285, بیروت, مؤسسة الاعلمی, 1418هـ.ق.

9. سید شرف الدین موسوی عاملی کتاب: الی المجمع العلمی العربی بدمشق را در رمضان سال 1369 به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کرده و با خط خود روی کتاب نوشته است:
(بسمه تعالی: ارفع هذه الوریقات الی مکتبة سیدی ومولای الامام الثامن الضامن ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما الصلاة والسلام وقفا علی مکتبة فی المشهد المقدس من المؤلف فی 20 شهر رمضان المبارک 1369.)

10. الی المجمع العلمی العربی بدمشق, عبدالحسین شرف الدین/27, مطبعة العرفان, صیدا, 1369هـ.ق.

11. همان/24.

12. الکلمات, عبدالحسین شرف الدین/2.

13. الکلمات وهی ثلاث الکلمة الاولی فی احوال العرب زمن جاهلیتها واسلامها والکلمة الثانیة فی احوال امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام والکلمة الثالثة فی احوال معاویه وبنی امیه, مطبعة العرفان, صیدا, 1347.

14. الی المجمع العلمی العربی بدمشق/19.

15. همان/15.

16. همان/16.

17. همان/13.

18. الفصول المهمه فی تألیف الأمه, عبدالحسین شرف الدین/162, الطبعة الثانیه, العرفان, صیدا, شعبان 1347.

19. الوحدة الاسلامیه او التقریب بین المذاهب السبعه/36.

20. همان/37.

21. ملف التقریب/133ـ132.

22. الوحدة الاسلامیه او التقریب بین المذاهب السبعه. جمع و ترتیب الدکتر عبدالکریم بی آزار الشیرازی/12.

23. الیقظة البغدادیه, العدد 3096 السنه 35 تاریخ 7 شعبان 1378هـ.ق زیر عنوان: تدریس جمیع مذاهب الفقه فی الازهر.

24. نحو وحدت الاسلامیه/20.

25. رساله الاسلام, دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه, قاهره, العدد2, السنه11/217.

26. دعوت التقریب من خلال رسالة الاسلام/289.

27. مجموعه آثار دکتر علی شریعتی, ج9/74.

28. الوحدة الاسلامیه, سید مرتضی رضوی, مطبوعات النجاح بالقاهره, 1400هـ.ق.

29. همان/35.

30. الوحدة الاسلامیه والتقریب بین المذاهب السبعه/34ـ33.

31. دعوة التقریب من خلال رسالة الاسلام, چاپ مؤسسة دارالتحریر للطبع والنشر, 1386هـ.ق.

32. دعوة التقریب تاریخ و وثائق/18.

33. الشیخ محمدرضا المظفر وتطور الحرکة الاصلاحیة فی النجف, الشیخ محمدمهدی الآصفی, مؤسسة التوحید للنشر الثقافی, قم, 1419هـ.ق.

34. ملف التقریب/162ـ159.

35. نهضت بیدارگری در جهان اسلام/132.

36. الوحدة الاسلامیه او التقریب بین المذاهب السبعه/205.

37. ملف التقریب/135.

38. نحو وحدة الاسلامیه/21